



Critical Analysis and Exegesis of the Verses on Hijab from the Viewpoint of Companions of the Prophet

Seyed Kazem Mir Jalili¹

Mohammad Taqi Gol Mohammadi²

Received: 5/5/2018 | Accepted: 2/2/2019

Abstract

The necessity of Hijab or covering based on the Qur'anic verses and narrations is definitely unquestionable; however, it is immensely important to recognize the boundaries of Hijab as one of the divine commands effective in social health or corruption. In recent centuries, due to some western views relying on the emerging schools on Hijab and its boundaries, there has been some doubt and confusion over this issue. For instance, it is said that the current state of Hijab is not what has been intended by God in the Qur'an and what has been common during the time of the Prophet (PBUH) but it is under the influence of cultural viewpoints of the great companions of the Prophet interpreting the verses on Hijab. Considering the fact that there is disagreement on the exegesis of the verses on Hijab and its boundaries, this study seeks to survey the views of the companions as a bridge between the Prophet (PBUH) and later time periods in order to shed light on the limits and boundaries of Hijab from their perspective and then explain its impact and cause. As for Hijab, the companions of the Prophet do not have common views and often act according to their independent reasoning, if it is not attributed to deviation in narrations, it might be under the influence of common culture and political and cultural changes to keep the society safe from corruption.

Keywords: Hijab, Displaying Beauty (Tabarroj), Jilbab (Outer Garment), Khomor (Head Cover), Companions of the Prophet

¹ Faculty Member, Department of Islamic Theology, Yazd University | kmirjalili@yazd.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Yazd University | golmohammadi@yazd.ac.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی و نقد، تبیین و تفسیر آیات حجاب از دیدگاه صحابه رسول اکرم

سید کاظم میرجلیلی^۱
محمد تقی گل محمدی^۲

تاریخ ارسال: ۹۷/۰۲/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۳

چکیده

لزوم پوشش و حجاب براساس آیات قرآن و روایات، امری قطعی و تردیدناپذیر است، ولی شناخت حدود حجاب به عنوان یکی از احکام الهی که در سلامت یا انحراف افراد جامعه نقش مهمی دارد، اهمیت بسیاری دارد.

در قرون جدید، به واسطه طرح برخی دیدگاه‌های غرب گرایانه مبتنی بر مکاتب نوظهور پیرامون حجاب و حدود آن، شک و تردیدهای متعددی مطرح شده است؛ از جمله اینکه: حجاب کنونی، حجاب مورد نظر خداوند در قرآن و مرسوم در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه متأثر از فرهنگ و نحوه تفکر بزرگان صحابه در تفسیر آیات حجاب است.

باتوجه به اینکه در تفسیر آیات حجاب و حدود آن اختلاف نظر وجود دارد. در این پژوهش برآنیم تا با بررسی نظرهای صحابه به عنوان پل ارتباطی بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دوره های بعد، حدود و ثغور مسئله حجاب از دیدگاه آنها را روشن سازیم و سپس، میزان تأثیرپذیری و علت آن را تبیین نماییم. در مورد حدود حجاب، بین صحابه اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد که اگر آنها را معلول تحریف ندانیم، باید پذیرفت تا حدودی از فرهنگ رایج و تحولات سیاسی و فرهنگی، به واسطه دور نگه داشتن جامعه از فساد و فحشاء متأثر شده و به اجتهاد خود عمل کرده باشند.

واژگان کلیدی: حجاب، تبرج، جلباب، حُمُر، صحابه.

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه یزد | kmirjalili@yazd.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه یزد | golmohammadi@yazd.ac.ir

مقدمه

موضوع پوشش و حجاب در میان مسلمان یکی از مباحثی است که در ادوار مختلف؛ به ویژه در عصر حاضر بسیار به آن پرداخته شده است. در قرون اخیر، با روی کار آمدن مکاتب جدید و مباحث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نو، رویکردهای متفاوتی پیرامون این موضوع ارائه شده است تا جایی که گروهی مبانی وحیانی و برداشت‌های تفسیری آیات حجاب را زیر سؤال برده و پوشش مرسوم مسلمانان را ناشی از تأثیرات پیرامونی فرهنگ‌ها و برداشت‌های علمی بی‌اساس درباره زن، دانسته‌اند و به این نظر قائل‌اند که حجاب امروزی با حجاب عصر نبوی متفاوت بوده و دستخوش تحریف و برداشت‌های شخصی که ناشی از عواملی همچون تأثیرات فرهنگی بوده، قرار گرفته است (ترکاشوند، ۱۳۹۰، ص ۴۸-۵۴). بی‌تردید، پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، صحابه بودند که مسئولیت پخش و گسترش علوم و معارف اسلامی را بر عهده داشتند؛ زیرا آنان بودند که حاملان پرچم هدایت، پیام رسان دستورات شریعت، آشنا به فضای نزول وحی بوده و در فرهنگ زمان نزول، حضور داشته‌اند.

بررسی نظرهای صحابه درباره آیات حجاب، می‌تواند این حقیقت را برای ما روشن کند که: آیا در قدم اول، صحابه توانسته‌اند این رسالت را به درستی انجام دهند؟ آیا آنها توانسته‌اند هدف واقعی قرآن در زمان نزول آیات حجاب و تفسیر حقیقی آن را که در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) وجود داشته، به نسل‌های بعدی انتقال دهند؟ یا مبهوت و متأثر از فرهنگ وارداتی کشورهای مفتوحه و تحت تأثیر فضای سیاسی متشنج داخلی بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آیات حجاب را تفسیر و تبیین کرده‌اند؟ آیا حجاب امروز با حجاب عصر نزول و حقیقت قرآنی یکی است یا متفاوت است؟

از آنجا که تاکنون پژوهش‌های درباره حجاب (مسئله حجاب شهید مطهری؛ رساله حجابیه، رسول جعفریان؛ حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتاحی‌زاده؛ حجاب در آیات و روایات، احمدی جلفایی) و نوشتارهای دیگر در خصوص نگاه صحابه درباره حجاب و تأثیر فضای حاکم بر آنان بحثی نکرده‌اند، این پژوهش قصد دارد با توجه به فضای حاکم و اتفاقات گوناگون دوران بعد از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به بررسی سخنان

صحابه‌ای که از خرمن علم و دانش آن حضرت بهره برده و علوم و حیانی و احادیث آن حضرت را شنیده و درباره آیات حجاب مطالبی را بیان کرده‌اند، پردازد.

۱. واژه‌شناسی:

۱-۱. **تفسیر:** در لغت به معنای کشف معنای لفظ و اظهار آن (طریحی، ۱۳۷۵، ماده فسر) و «بیان کردن معنای سخن» (صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸، ماده فسر) است. در مجموع می‌توان گفت، تفسیر یعنی، کشف، اظهار و پرده برداری از معنای کلام و آشکار نمودن حقایق علمی. علامه طباطبایی در تعریف اصطلاحی تفسیر می‌گوید: «تفسیر، بیان معانی آیات قرآن و کشف از مقاصد و مدالیل آیات است» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴). معنای متبادر عرفی تفسیر همان بیان معنای آیات و کشف مراد خداوند متعال بر مبنای روایات، ادبیات و علوم عقلی و تجربی است.

۱-۲. **حجاب:** در لغت به معنای در پرده کردن، روگیری، عفاف، حیا، و شرم است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۶۹۶) و در لغت عرب از «حجب» و به معنای هر چیزی که شیء را از شیء دیگر منع کند، می‌باشد (فراهِیدی، ۱۳۸۳، ماده حجب)، و به ستر، حجاب می‌گویند، چون منع از مشاهده می‌کند» (فیومی، ۱۴۱۴، ماده حجب). به کار رفتن کلمه «حجاب» در پوشش زنان، اصطلاحی است که بیشتر در این عصر پیدا شده و اگر در تواریخ و روایات پیدا شود، بسیار کم است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۰۲). شهید مطهری می‌گوید: حجاب عبارت است از: پوششی که زن در برابر نامحرم‌ان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی پرهیزد» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۶۲).

۱-۳. **فرهنگ:** در لغت، به معنای ادب، تربیت علم و دانش، و مجموعه آداب و رسوم است (معین، ۱۳۶۴، واژه فرهنگ). «تایلور» در تعریف اصطلاحی این لغت می‌گوید: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد» (روح‌الامینی، ۱۳۷۷، ص ۶)؛ «فرهنگ مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی است که پای‌بندی ایشان بدین امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و

قبایل می‌شود» (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۲). مقصود از فرهنگ در این پژوهش مجموعه باورها و آداب و رسوم جامعه است که به نوعی تأثیر در جایگاه و موقعیت زن، نوع رفتار با او و چگونگی پوشش او داشته باشد.

۴-۱. صحابه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): صحابه در لغت به معنای هر چیزی است که ملازم دیگری باشد (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۲۴) و به کسی گفته می‌شود که همراهی اش با دیگری بسیار باشد (راغب، بی تا، ص ۲۷۵). صحابه [صَبَّاح] (اخ)، یاران پیغمبر (صلی الله علیه و آله)؛ کسانی که حضور پیغمبر اسلام را درک کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۳۱۰۶)؛ در تعریف اصطلاحی «صحابه» بین علما اختلاف نظر وجود دارد. شهید ثانی در کتاب *درایه* می‌گوید: صحابی کسی است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را ملاقات کند، و به پیامبر ایمان آورده باشد. محمد بن اسماعیل بخاری در *صحاح* می‌گوید: هر که رسول را دیده باشد، به شرط اسلام او را صحابی خوانند؛ هر چند از او روایت نکرده باشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۳۱۰۶). در این پژوهش، منظور ما از صحابه، همراهان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که در مورد آیات حجاب سخن گفته و حدود حجاب را بیان کرده‌اند.

۲. نظرهای صحابه درباره آیات حجاب

بی تردید، پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صحابه که آشنا به فرهنگ و فضای وحی و نظرهای آن حضرت بودند، اگر تحت تأثیر فضای سیاسی داخلی بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و مبهوت و متأثر از فرهنگ وارداتی کشورهای فتح شده قرار نگرفته باشند، می‌توانند بهترین راهنما برای فهم آیات باشند. از این رو، در این بخش به بیان نظرهای صحابه درباره حجاب می‌پردازیم و با توجه به فرهنگ حاکم بر آن زمان، تأثیرپذیری از آن فرهنگ را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم.

آیاتی که درباره چگونگی پوشش زنان روشن تر و آشکارتر سخن گفته است و صحابه درباره آن بحث کرده‌اند، در دو سوره «احزاب» و «نور» قرار دارند. در سوره احزاب که در سال چهارم یا پنجم هجری در مدینه نازل شده است (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱، ص ۱۷۵) در

آیات ۳۳ و ۵۹ آن به نحوه خروج زنان و لزوم پوشش مناسب آنان اشاره شده است؛ اما سوره نور چند سال بعد از آن نازل شد و در آیه ۳۱ و ۶۰ علاوه بر امر به پوشش، به برخی از جزئیات و مستثنیات پوشش زنان هم اشاره کرده است.

۱-۲. آیه تبرج: یکی از آیاتی که مفسران آن را باحجاب مرتبط دانسته‌اند، قسمت اول آیه ۳۳ سوره احزاب، معروف به آیه تبرج است: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳). خداوند در این آیه به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) امر می‌کند: و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند زنان دوران جاهلیت پیشین ظاهر نشوید.

قبل از این آیه، سخن از موقعیت ویژه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که به دنبال آن دستور عفت و پاک‌دامنی و چگونگی تقوی می‌دهد، و کیفیت حرف زدن با نامحرم را بیان می‌کند و سپس، در این آیه از عدم تبرج سخن رانده است. مفسران، قسمت ابتدایی آیه را که درباره در خانه ماندن و عدم تبرج زنان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است، به حجاب، فرهنگ حضور زن در جامعه و چگونگی پوشش ربط داده و آن را حکمی عام دانسته‌اند و تکیه آیات بر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان تأکید بیشتر می‌دانند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹۰). ذیل این آیه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایاتی نقل شده است که برای بررسی این آیه، ابتدا احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سپس تفسیر صحابه را ذکر می‌کنیم.

۱-۱-۲. احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در تفسیر آیه تبرج در مورد لفظ «قَرْنَ» که برخی به لزوم ماندن زن در خانه معنا کرده‌اند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

«به زنان اجازه داده شده است تا برای حاجت‌های خود بیرون بروید (قشیری

نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۰۹).

«زنان از میان کوچه راه نروند؛ بلکه از کنار دیوار کوچه بروند (حر عاملی، ۱۴۰۹،

ج ۵، ص ۱۷۰۹).

این دو روایت دلالت بر اجازه حضور زن در جامعه و عدم خانه نشینی او دارد و برخی روایات را که دلالت بر منع حضور زن در خارج از خانه دارد، می‌توان بر توصیه اخلاقی حمل

کرد و گفت که هدف، عدم اختلاط زن و مرد نامحرم است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که هر چند «قَرْن» در معنا و قرائت مشهور به معنای در خانه ماندن است، ولی امر وجوبی نیست؛ بلکه جنبه ارشادی دارد و آیه چنین معنا می‌شود: بهتر است زنان در خانه بمانند و اگر بیرون رفتند، مانند زنان جاهلی تبرج نکنند، و با عفت، پاک‌دامنی و وقار حضور داشته باشند و از خودنمایی پرهیز کنند. احادیث فراوانی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره منع از «تبرج» روایت شده است؛ از جمله اینکه می‌فرمایند:

- هر زنی که خودش را خوش بو کند و از خانه خارج شود، پس لعنت می‌شود تا به خانه باز می‌گردد (همان، ج ۲۰، باب ۸۰، ح ۴، ص ۱۶۱).
- بدترین زنان، زنان خودنما هستند، و آنها منافقانی هستند که داخل بهشت نمی‌شوند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۷).

- زنانی می‌آیند که پوشیده‌اند در عین حال عریانند، دل‌ها را فریب می‌دهند و هوس‌بازند، موهای خود را مانند کوهان شتر قرار می‌دهند، اینها داخل بهشت نمی‌شوند و بوی بهشت را هم استشمام نمی‌کنند (حنبل، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۹۰).
- ای حولا! زینت خود را برای غیر همسرت نمایان نکن. در ادامه می‌فرماید: زنی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، برای غیر شوهرش زینت نمی‌کند، خمار (پوشش سر) خود و میچ دست خود (محل النگو) را آشکار نمی‌کند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۲).
از مضمون این روایات ظاهر است که تنها ناظر به منع تبرج و خودنمایی و جلب نظر نامحرم است و دلالتی بر محدوده پوشش و چگونگی تبرج ندارد، به خصوص که روایت حولا ضعف سند دارد.

۲-۱-۲. اقوال صحابه در آیه تبرج

در تفسیر آیه تبرج، اقوال مختلفی از صحابه نقل شده است که می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۲-۱-۲-۱. بیان زمان جاهلیت

یکی از پرسش‌های مورد بحث در این آیه این است که: منظور از جاهلیت اولی چه زمانی است؟ و زنان آنان به چه صورت تبرج می‌کردند؟ در این مورد از مفسران صحابه، نظرهایی بیان شده؛ بلکه گاهی از یک نفر از صحابه چند نظر آمده است.

ابن عباس، صحابه بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از شاگردان معروف امام علی (علیه السلام) در تفسیر آیه تبرج، منظور از «جاهلیت اولی» را زمان مابین عیسی (علیه السلام) و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بیان کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۷). در قولی دیگر، جاهلیت اول را قبل از اسلام و جاهلیت دوم را بعد و در زمان اسلام معرفی می‌کند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۲).

«عایشه» همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و «عکرمه» از صحابه آن حضرت، «جاهلیت اولی» را دوره بعد از حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌دانند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۷)، و در جای دیگر آن را زمان بین حضرت نوح و ادریس - که هزار سال است - بیان کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴)؛ که زنان آن زمان لباس لؤلؤ می‌پوشیدند، وسط جاده راه می‌رفتند و خود را بر مردان عرضه می‌کردند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۵).

۲-۱-۲-۲. چگونگی تبرج

از ابن عباس در چگونگی تبرج اقوال متعددی نقل شده است که دسته‌بندی آن و پی‌بردن به قول حق را دشوار می‌کند. به نظر می‌رسد ابن عباس هر نوع حرکت و پوششی که از نظر او برای زنان نامناسب و امکان تحریک در آن می‌بود را به عنوان تبرج بیان کرده است. و می‌گوید: منظور از «تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»، آن است که زنان خود را در زینت کفار و در لباس رنگارنگ قرار ندهند (فیروز آبادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۳)، با تکبر و تبختر راه نروند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۶)، زینت خود را آشکار نکنند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۲). عایشه و عکرمه نیز به نوع پوشش خاص، خودنمایی زنان و عرضه بر مردان، اشاره کرده‌اند.

۳-۲-۱. مقصود از قُرْنٌ فِیْ یُیُوتُکُنَّ

در مورد جمله « وَ قُرْنٌ فِیْ یُیُوتُکُنَّ » از صحابه اقوال مختلفی بیان شده است. گروهی به بیان مواردی پرداخته‌اند که مربوط به همسران رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است و برخی مواردی را بیان کرده‌اند که به همه زنان مؤمنان مربوط می‌شود.

ابن عباس می‌گوید: منظور از «وَ قُرْنٌ فِیْ یُیُوتُکُنَّ»، استقرار در خانه و خارج نشدن از آن و با وقار بودن است؛ یعنی زنان خود را در لباس نازک و رنگارنگ قرار ندهند (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۳). از ابن سیرین نقل شده که سوده بعد از حجه‌الوداع از خانه بیرون نیامد و می‌گفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ما را امر کرد تا در خانه بمانیم، از بی‌هریره آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) این آیه را بعد از حجه‌الوداع برای زنانش خواند و حصر آنان شروع شد و زینب بنت جحش از خانه خارج نشد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۷).

در مورد عموم زنان مؤمنان، ابن مسعود می‌گوید: زنان عورت هستند که هرگاه خارج شوند، شیطان بر آنان مشرف می‌شود و عمر می‌گفت: زنان را عریان نگه دارید که اگر لباسشان زیاد و زینتشان نیکو شود، می‌خواهند از خانه خارج شوند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۷).

۲-۲. آیه جلباب

از آیات سورة احزاب که مفسران آن را مربوط به پوشش زنان دانسته‌اند، آیه ۵۹ این سوره معروف به آیه جلباب است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یَذْنِبْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَلِکَ اذْنٰی اَنْ یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذِنَ وَ کَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلباب‌های خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر و خداوند همواره آمرزنده و رحیم است» (احزاب: ۵۹).

آیه جلباب در صدد بیان نحوه پوشش برای زنان مؤمن است تا نشانه ایمان، تقوی و پاک دامنی آنها باشد که این نشانه هم سبب عدم آزار و اذیت زنان شده و جایگاه و شأنیت زنان مؤمن را حفظ می‌نماید.

۱-۲-۲. شأن نزول آیه

در شأن نزول این آیه آمده است که: هنگام تاریکی شب، مردان و جوانان بی‌مبالاتی

سر راه زنان می آمدند و به آزار و اذیت آنان می پرداختند. وقتی به جوانان متعرض گفتند چرا چنین می کنید، پاسخ می دادند: ما فقط با کنیزان چنین می کنیم و نمی دانستیم که اینها زنان آزاد هستند. از این رو، آیه نازل شد و از زنان مؤمن خواست که پوشش خود را به گونه ای تغییر دهند تا از کنیزها متمایز شده و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۸۰). یکی از اشکالات این شأن نزول، نادیده گرفتن کنیزها و انسانیت آنهاست (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶). گرچه برخی این شأن نزول را پذیرفته و گفته اند: این شأن نزول برای از بین بردن بهانه از دست فاسقان است نه به منزله جواز آزار رساندن به کنیزان (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۲۷). در شأن نزولی شبیه قبلی که در آن سخنی از کنیز و تفاوت بین کنیز و حر نیامده، آمده است: هنگام شب که زنان، برای نماز مغرب و عشاء و صبح به سمت مسجد می رفتند، جوانان در مسیرشان می نشستند و به آزار و تعرض نسبت به آنها می پرداختند و به همین جهت این آیه نازل شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۱۹۰).

در ذیل این آیه روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل نشده است و صحابه در تفسیر این آیه نظره‌های متفاوتی دارند که غالب بحث و بیان آنها حول دو محور «کلمه جلاب» و «چگونگی پوشش» است که به هریک اشاره می کنیم:

۲-۲-۲. معرفی جلاب

ابن عباس می گوید: منظور از جلابیب، ملحفه هایی است که زنان بر صورت انداخته و با آن صورت خود را می پوشانند (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۶۱). در مورد دیگری می گوید: جلاب، مقنعه و روسری زن است تا هرگاه برای حاجتی بیرون می رود، سر و گردنش را بپوشاند به خلاف کنیزهایی که با سر و گردن باز بیرون می روند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۸۰). همچنین از او نقل شده که منظور آن است که زنان آزاد، لباس کنیزان نپوشند. پس، زنان باید مقنعه بپوشند و بر پیشانی خود محکم کنند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۳۳).

۲-۲-۳. چگونگی و محدوده پوشش

در این آیه با وجود اینکه غالب نظرها پیرامون پوشش سر زن و تفاوت پوشش کنیز و زن آزاد بیان شده است، اما در میان صحابه در مورد میزان پوشش زنان، اختلاف نظرهایی وجود دارد که برخی پوشش سر را لازم می دانند و در بعضی موارد پوشش سینه و گلو و

حتی برخی پوشش صورت به طور کامل به جز یک چشم را لازم دانسته‌اند. از ام سلمه و عایشه نقل شده است: وقتی آیه «يَذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَافٍ» نازل شد، زنان انصار از خانه خارج شدند مثل اینکه روی سرشان کلاغ قرار داشت پارچه‌های سیاهی روی سر خود انداخته بودند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۱). و عکرمه می‌گوید: منظور این است که جلباب خود را نزدیک بکشند تا زیر گلویشان پیدا نباشد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۲۲). ابن عباس محدوده پوشش را سر و صورت و گردن بیان کرده و می‌گوید: منظور، ستر و پوشاندن است که خداوند به زنان مؤمنان امر کرده، هرگاه برای حاجتی از خانه خارج می‌شوند، صورت خود را با جلباب از بالای سرشان بپوشانند و فقط یک چشمشان پیدا باشد! (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۳۳) در کشف الاسرار آمده: «پوشاندن سر و صورتشان را مگر یکی از چشمشان» (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۸۹). برخی مانند مجاهد و سعید بن جبیر صورت را جزء آن ندانسته و گفته‌اند: «جلباب، مقنعه و روسری زنان است تا با آن بپوشند سر و گردنشان را، هرگاه برای حاجتی بیرون روند» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵۸۰).

۴-۲-۲. نتیجه‌گیری

از اختلاف نظر صحابه در تعیین محدوده پوشش و با در نظر گرفتن شأن نزول این آیه، به نظر می‌رسد آیه به ناحیه خاصی جهت پوشش اشاره نکرده و فقط در صدد بیان حکم کلی در چگونگی صحیح استفاده از جلباب یا همان لباس رویی است تا عفت و پاک‌دامنی زنان مؤمن را نشان دهد و اختلاف نظر صحابه در مورد محدوده پوشش به خاطر فرهنگ پوشش زمان و اجتهاد خودشان است. در مجموع می‌توان گفت، آیات سوره احزاب با توجه به زمان نزول و رواج رسوم و فرهنگ جاهلیت، با نگاه ایجاد عفت و پاک‌دامنی و چگونگی حضور زن در جامعه نازل شده که کاملاً ناظر به فرهنگ مردم آن زمان است و تلاش دارد تا به تدریج جامعه را به سوی یک جامعه پایدار و اسلامی سوق دهد. از این رو، به بیان لزوم پوشش و نوع حضور زن در جامعه پرداخته است و اشاره به چگونگی پوشش و محدوده آن ندارد.

۳-۲. آیه اخفاء زینت

معروف ترین آیه درباره حجاب آیه ۳۱ سورة نور معروف به «آیه اخفاء زینت» است. در این آیه، محدوده پوشش و استثنائاتی که زنان جلوی آنها می توانند زینت خود را آشکار کنند، مطرح شده است. متن آیه شریفه چنین است:

«... وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ و به زنان باایمان بگو: زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدرشوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیشانشان، یا بردگانشان، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندادند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید» (نور: ۳۰-۳۱)

صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) این آیه را از جهات متعددی تفسیر کرده اند که به

هریک اشاره می کنیم:

۱-۳-۲. تبیین زینت ظاهر

یکی از نکات مهم این آیه، جمله «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» است که می فرماید: زنان زینت های ظاهر خود را آشکار نکنند. اینکه منظور از زینت ظاهر چیست؟ آیا اعضای مثل مو، ساق و گردن، صورت و دست مصداق زینت ظاهر است یا شامل زینت عرضی مانند النگو و گوشواره و سرمه و... می شوند؟ اگر در این مورد بین صحابه اختلافی هست منشأ آن چیست؟ مباحثی است که باید به آن پرداخته شود:

ابتدا به نقل قول هایی از ابن عباس در این مورد اشاره می کنیم: زینت ظاهر، انگشتر و سرمه است (هواری، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۱۵۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۹۲). زینت ظاهر، سرمه و انگشتر، کفش و حنای دست است (هواری، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۱۵۲؛ طوسی، بی تا، ج ۷،

ص ۴۲۹). همچنین گفته است منظور از زینت ظاهر سرمه و گونه‌ها و یا منظور، صورت، سرمه چشم، حنای دست و انگشتر است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۹۲). و در بیانی دیگر از ابن عباس و عایشه آمده: منظور صورت و دودست است (سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۸). در تفسیر منتسب به ابن عباس آمده است: زنان، بازوبند و پارچه زینتی سینه خود را آشکار نکنند؛ مگر لباس هایشان که ظاهر است (فیروزآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۵).

عبدالله بن مسعود - از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) - در این باره می گوید: منظور از زینت ظاهر، لباس است و زینت باطن شامل خلخال، گوشواره و دستبند می شود، و در موردی دیگر می گوید: زینت ظاهر همان رداست (طبری، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۹۲؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۲۹). همچنین، نقل شده وقتی درباره زینت ظاهر از او سوال شد، مقنعه ای پوشید و با آن صورت خود را پوشاند و فقط یک چشم خود را آشکار کرد (سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۸). ابن مسعود، درباره زینتی که می شود برای محارم آشکار کرد، گفته است: آن زینت گردنبند و گوشواره است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۴). از نقل قول های ابن مسعود روشن می شود که چگونگی پوشش زنان در بیان این صحابی، با صحابه دیگر متفاوت بوده و همیشه تأکید بر پوشش تمام بدن؛ حتی صورت داشته و فقط لباس را زینت ظاهر و قابل آشکار می داند.

از عایشه نقل شده که منظور از زینت ظاهر، دستبند و انگشتر است، از مسورین مخرمه هم نقل شده که: منظور از زینت ظاهر، دستبند و انگشتر و سرمه می باشد، انس بن مالک نیز در این باره گفته است: منظور، سرمه و انگشتر است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۲).

۲-۳-۲. تبیین لاییدین زینتهن

از ابن عباس نقل شده، منظور از آشکار نکردن زینت، مواضع زینت است و آن: سینه، ساق، ساعد و سر است. زیرا سینه جایگاه پارچه زینتی، ساق جای خلخال و ساعد جای دستبند و سر جایگاه تاج است (سمرقندی بی تا، ج ۲، ص ۵۰۸). و در نقل دیگری می گوید: منظور این است که مو، سینه، استخوان های بالای سینه و گردن یا موی جلوی گوش هایش را بپوشاند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷). در این موارد، ابن عباس همواره در صدد بیان

مصادیقی است که آشکار شدنش در فرهنگ آن زمان یا فرهنگ زمان جاهلیت مرسوم بوده است.

۳-۲-۳. موارد استثناء در آیه

در این آیه به بیان استثنائاتی پرداخته که زنان می توانند در برابر آنها زینت خود را آشکار کنند و نیاز به پوشش کامل ندارند؛ که در این زمینه هم بیانات متفاوتی از صحابه آمده است:

از ابن عباس درباره جمله «إِلَّا لِيُغَوِّلَهُنَّ أَوْ أَبَاهِنَّ» نقل شده است: زینتی که آشکار می کند برای آنها، گوشواره، گردنبند، انگوست، ولی خلخال و زیر گردن و مو را فقط برای شوهر می تواند آشکار کند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۹۵). ابن مسعود درباره زینتی که می شود برای محارم آشکار کرد این نظر را دارد: آن زینت گردنبند و گوشواره است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۴).

ابن عباس درباره «أَوْ نِسَائِهِنَّ» می گوید: منظور این است که زنان مسلمان نباید زینت های خود را؛ مثل گلوبند، گوشواره، سینه بند و آنچه اطراف آن است، در برابر زنان یهودی و نصرانی آشکار کنند و می توانند زینت های خود را در برابر هم کیشان خود آشکار کنند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۲).

همچنین، در اینکه آیا حجاب در برابر «عبد» لازم است: «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ؟» از ابن عباس نقل شده است: اشکال ندارد که عبد موی سیده خود را ببیند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۳) و در بیان «غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ»، ابن عباس می گوید: منظور کسانی اند که زنان از او حیا نمی کنند. همچنین گفته است: منظور کسانی اند که از نظر عقل عقب مانده اند، به صورتی که علاقه ای به زنان ندارند و زنان هم به آنان تمایلی ندارند. همچنین گفته است: منظور خشنایی است که شهوت ندارد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۳).

یکی دیگر از مثنیات آیه ۳۱، چگونگی پوشش زنان پیر و مسن است که در آیه ۶۰ سوره نور آمده است: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و زنان از کارافاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که برخی از لباس های خود را بر زمین بگذارند،

به شرط اینکه در برابر مردم خود آرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست».

در این آیه، ابن عباس می‌گوید: منظور از «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً»، زنی است که اشکال ندارد در خانه خود با درع (پیراهن) و روسری بنشیند و جلباب (نوعی چادر) خود را زمین بگذارد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۱۲۶). در موردی دیگر می‌گوید: منظور از ثياب، ردا است که اشکال ندارد زنان پیر که امیدی به ازدواج آنان نیست آن را کنار بگذارند، ولی درباره «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ» گفته است: اگر با ردا، عفت خود را حفظ کند، بهتر است (فیروزآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۹). ابن مسعود می‌گوید: آن زینتی که بر زنان سالخورده اشکال ندارد زمین بگذارند، ردا است (طبری، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۱۲۷). وی در موردی دیگر گفته است: یعنی زنان جلباب و ردا را زمین بگذارند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۷). از ابن مسعود و ابن عباس و دیگران در روایت‌هایی شبیه به این مضمون آمده که: اشکالی ندارد این زنان جلباب را زمین بگذارند و با ردا و خمار بین مردان ظاهر شوند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۷۸).

از بررسی نظرهای صحابه که درباره زنان قواعد بیان کرده‌اند، روشن می‌شود که گویا در مورد این زنان استثنایی صورت نگرفته است؛ چون می‌گویند: زنان مسن باید مقنعه بپوشند و می‌توانند جلباب و ردا و امثال آن را زمین بگذارند؛ این در حالی است برای تمام زنان چنین حکمی وجود دارد. نوع لباس (خمار یا جلباب)، موضوعیتی در پوشش ندارد؛ بلکه هدف، پوشش زینت است و آن‌هم با خمار اتفاق می‌افتد؛ مگر قائل شوند که لباس هم زینت است و فقط ردا و جلباب از زینت‌ها نیست و امثال مقنعه را هم زینت به حساب آورند!

۳. تحلیل نظرهای صحابه

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، صحابه درباره آیات حجاب نظرهای بسیاری دارند که دارای یک اضطراب و تشنگی خاصی هم هست؛ به گونه‌ای که حتی اقوال یک صحابه در موضوع واحد هم متفاوت است؛ چنان‌که ابن عباس و ابن مسعود در بیان مصادیق حجاب ظاهر، گاهی انگشت و سرمه را مصداق ظاهر می‌دانند؛ گاهی یک چشم و گاهی گوشواره و انگشت و النگو را. همان‌طور که بیان شد، این قبیل بیانات از صحابه دیگری چون عکرمه،

عایشه، عمر و ام سلمه هم آمده است. ممکن است عواملی چند در بروز این اختلاف‌ها دخیل باشد که به بررسی هریک می‌پردازیم.

۳-۱. بررسی موارد احتمالی

ممکن است، اضطراب و تشنگی تفسیر صحابه در آیات حجاب، به دلیل یک یا چند از چهار احتمال زیر باشد:

۳-۱-۱. احتمال اول اینکه ممکن است ریشه این اختلاف‌ها در تأثیرپذیری آنها از فرهنگ ملل فتح‌شده و تغییر و تحولات سیاسی و فرهنگی آن دوران باشد. شواهدی بر این احتمال وجود دارد از جمله اینکه:

اعراب مسلمان در مدت کوتاهی بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، دو ابر قدرت آن زمان؛ یعنی ایران و روم را از پای درآوردند. با این فتوحات با ثروتی هنگفت و فرهنگی غنی مواجه شدند. این دو عامل همراه با تعامل مسلمانان با مردم این سرزمین‌ها، دروازه‌های جدیدی از سبک زندگی و شیوه تفکر را پیش روی اعراب مسلمان باز کرد که در زندگی آنان تأثیرات فراوانی داشت. به عنوان نمونه، ایرانیان فرهنگ و تمدن غنی‌ای داشتند و در موضوع پوشش از پوشاک و لباس‌های مدرن، زیبا و پرچین و بلند استفاده می‌کردند (چیت‌ساز، ۱۳۷۹، ص ۱۴). زنان ایرانی شلوار می‌پوشیدند و از روسری و حجابی شبیه زنان زرتشتی امروز استفاده می‌کردند (استاد ملک، ۱۳۶۷، ص ۱۷) و چادری به خود می‌پوشیدند (عباسی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴). امپراطوری روم نیز تمدنی غنی داشت. در مورد پوشاک مردم روم و یونان گفته شده است: «زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش بسیار جذاب و زیبا بود. زنان رومانی^۱ دارای حجاب شدیدتری بودند، به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند با چادری بلند تمام بدن را تا روی پا می‌پوشاندند؛ و برآمدگی‌های بدن مشخص نبود (وجدی، ۱۹۷۱، ص ۱۹۲۳).

۱ رومانی یا رومانیایی (România) کشوری است در جنوب شرقی اروپا و پایتخت آن بخارست است. رومانی از غرب با مجارستان و صربستان و از شمال شرقی و شرق با مولداوی و اوکراین همسایه است بلغارستان نیز دیگر همسایه این کشور از سمت جنوب آن می‌باشد. (یکی‌پدیا، دانشنامه آزاد)

بنابراین، این احتمال مطرح است که آداب و رسوم مردم ایران و روم در مسئله پوشش، تأثیر بسزایی در فرهنگ بادیه‌نشینی اعراب فاتح داشته باشد. رینهارت دوزی می‌گوید: اعراب فاتح چگونگی پوشش آراسته و پیشرفته را از ملل مغلوب اقتباس کردند که در این میان زیبایی و شکوه جامعه ایرانی به درجات بسیار بر اعراب مسلمان تأثیر نهاده است. وی، در توصیف قبا می‌نویسد: آن را مردان روی لباس می‌پوشیدند که اقتباسی از پوشش ایرانیان بوده است (دوزی، ۱۳۵۹، ص ۳۳۹-۳۴۰).

۲-۱-۳. احتمال دوم تأثیرپذیری صحابه از روش‌های متفاوت خلفای بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. زیرا در دوران خلیفه دوم گرچه صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حضور داشتند، اما «عمر» با رفتار خشن و مستبدانه خود، حکومت را در حوزه‌ای از خشونت قرار داده بود (نهج البلاغه، خطبه ۳). از این رو، صحابه توانایی مقابله صریح و علنی با خلیفه را نداشتند و کسانی که با او مخالفت می‌کردند، مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۶۸). از طرف دیگر، عمر معتقد به محصور کردن زنان بود و از هر وسیله‌ای استفاده می‌کرد تا حضور آنان را در جامعه کم‌رنگ کند. به همین دلیل، اهل سنت یکی از موافقات عمر را همین آیه حجاب بیان کرده‌اند و می‌گویند: عمر علاقه شدیدی داشت تا زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حجاب باشند؛ به حدی که مورد اعتراض زینب همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت و خطاب به او گفت: یابن‌خطاب! تو بر ما غیرت می‌بری در حالی که وحی در خانه ما فرود می‌آید، در این هنگام این آیه حجاب که موافق قول عمر بود نازل شد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۵۵)

در دوران خلافت عثمان قضیه برعکس شد. ریخت‌وپاش‌های بنی‌امیه به اوج خود رسیده بود. تقلیدپذیری از کشورهای دیگر در هر زمینه‌ای به خصوص ساختمان‌سازی و پوشاک در بین بزرگان در حد اعلی وجود داشت. تقریباً هیچ مانع و کنترلی و برای رفتار مردم وجود نداشت (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۳۴-۳۳۲)، به صورتی که حضرت علی (علیه السلام) این رفتارها را سبب سرنگونی عثمان می‌داند (سیدرضی، ۱۳۷۹، خ ۳).

باتوجه به دو روش متفاوت خلفا، این احتمال وجود دارد که صحابه تحت تأثیر این رفتارها قرار گرفته و گاهی براساس روش سخت‌گیرانه عمر و گاهی برای مقابله با

تجمل گرایی و چگونگی پوشش متفاوت دوران عثمان، آیات حجاب را تفسیر کرده‌اند؛ به صورتی که گاهی به پوشش کامل بدن؛ حتی صورت و عدم حضور زن در جامعه نظر می‌دادند، و گاهی هم نظرهایی نرم‌تر نسبت به پوشش زن داشتند. در حالی که گزارش‌های تاریخی درباره فرهنگ و اقتصاد مردم عصر نزول (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۷۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۲۲۴؛ ویل دورانت، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۲۸) این گونه سخت‌گیری در پوشش را تأیید نمی‌کند.

۳-۱-۳. احتمال سوم تأثیر تفاوت صحابه در اجتهاد و فهم قرآن است. اگر ما به عصر صحابه بنگریم، در خواهیم یافت که همه صحابه در فهم معانی قرآن یکسان نبودند؛ بلکه باهم تفاوت داشتند. بسیاری از آیات که برای بعضی از آنان روشن بود، برای برخی دیگر مبهم و ناآشنا بود. این مطلب به تفاوت آنان از نظر توان فکری و شناخت شرایط زمانی و مکانی نزول قرآن برمی‌گردد. پس، این احتمال مطرح است که صحابه مفسر، با قدرت اجتهاد و استدلالی که داشتند، برداشت‌های خود را از آیات قرآن بیان می‌کردند؛ هر چند این برداشت‌ها با فرهنگ پوشش زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) که با فرهنگ دیگر کشورها مواجه نبودند متفاوت بود. بنابراین، صحابه از فرهنگ پوشش زمان خود، این نحوه پوشش‌ها را استنباط کرده‌اند تا جامعه‌ای سالم و به دور از فساد و فحشا را رقم بزنند. از این رو، در هر موقعیتی و بنا به سؤال‌ها و انتظاری که از آنان می‌رفته، مصادیقی متعددی را بیان می‌کردند.

۳-۱-۴. احتمال چهارم وقوع تحریف در سخنان مفسرانی چون ابن عباس و ابن مسعود است. وجود جعلیات و تحریف در روایات اهل سنت، احتمال نسبت دروغین به صحابه را قوت می‌بخشد؛ چرا که بعد از یک قرن ممنوعیت نقل حدیث، روایات تحریف شده بسیاری وارد جامعه شد (ابن حجر، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷). شواهد متعددی این احتمال را تأیید می‌کند، از جمله اینکه:

الف) از جنبه سندی، غالب این اقوال به کتاب جامع البیان طبری و کتاب الله العزیز هواری، ختم می‌شود که علاوه بر اهل سنت بودن، سند آنها هم غالباً مرسل است.

ب) مواردی که درباره آیات حجاب از صحابه نقل شده، آن قدر در محدوده پوشش و بیان زینت ظاهر و باطن متفاوت است که بعید به نظر می‌رسد صحابه این گونه متفاوت گفته باشند.

ج) تناقض و تفاوت گسترده مصادیق سخت گیرانه؛ مانند پوشش تمام بدن و صورت با فرهنگ زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)؛ در حالی که در زمان آن حضرت، زنان در جامعه حضور فعال داشتند.

۲-۳. نتیجه‌گیری

باتوجه به چهار احتمال مطرح شده به عنوان منشأ اختلاف تفاسیر صحابه در موضوع حجاب و پوشش، در تحلیل این چهار احتمال می‌گوییم:

۱-۳-۲. گرچه مسلمانان عرب، از ایرانیان و رومیان و روش حکومت خلفا تأثیر فراوانی پذیرفتند، اما تأثیرپذیری همه صحابه از فرهنگ ملت‌های مغلوب، و پذیرش بدون چون و چرای روش خلفا و تفسیر آیات حجاب به واسطه این تأثیرپذیری، با آنکه برخی از آنها دارای ایمان قوی و تقوا بودند و جز با اتکای بر مصدر وحی سخن نمی‌گفتند، بعید به نظر می‌رسد. بنابراین، دو احتمال اول نمی‌تواند علت تامه این اختلاف‌های تفسیری در آیات حجاب باشد.

۲-۳-۲. احتمال چهارم هم که سخنان مفسرانی چون ابن عباس و ابن مسعود می‌تواند با تحریف همراه باشد، باتوجه به شواهدی که بیان شد دور از انتظار نیست؛ زیرا افراد منحرف و چه بسا مغرض با تطمیع حاکمان وقت، همچنان که در احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) دست برده و روایات جعلی فراوانی را مطرح کرده‌اند، می‌توانند در تفاسیر صحابه هم تحریف کرده باشند.

۳-۲-۳. در بین این چهار احتمال، به نظر می‌رسد احتمال سوم که اختلاف تفاسیر صحابه را به واسطه اجتهاد خود صحابه می‌داند، قوی‌تر است؛ زیرا باتوجه به اینکه صحابه مفسر، دارای قدرت اجتهاد و استدلال بوده‌اند، ممکن است از فرهنگ پوشش زمان خود و موقعیت مردم، برای حفظ مردم و جامعه از فساد، این نحوه پوشش را استنباط کرده باشند، و

مصادیقی از پوشش حجاب را مطرح کرده باشند که در راستای هدف قرآن - که ایجاد جامعه ای سالم و دور از فساد و فحشا است - باشد. این امکان هم وجود دارد که در برخی موارد تحت تأثیر جامعه، کمی به افراط رفته و سبب سخت گیری بر زنان شده باشند. بنابراین، هر چند فرهنگ رایج زمانه در تفسیر صحابه پیرامون حجاب موثر بوده است؛ اما علت اصلی اختلاف تفسیر، اجتهاد خود صحابه و دخالت دادن برداشت های شخصی آنها بوده است. در ضمن می توان از طرح مصادیق حجاب توسط صحابه که بین همه آنها اتفاق نظر وجود دارد، به چگونگی حجاب زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حجاب مورد تأیید آن حضرت که دور از سخت گیری های متعصبانه بوده است، آگاه شد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد؛ **شرح نهج البلاغه**؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی؛ **فتح الباری شرح صحیح البخاری**؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۳۷۹.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ **التحریر و التنویر**؛ چاپ اول، بیروت: موسسه التاریخ، بی‌تا.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ **تفسیر القرآن العظیم**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۶. احمد ابن حنبل، ابو عبدالله أحمد بن محمد؛ **مسند الإمام أحمد بن حنبل**؛ تحقیق شعیب الأرئوط؛ بی‌تا: موسسه الرساله، ۱۴۲۱ هـ.
۷. استادملک، فاطمه؛ **حجاب و کشف حجاب**؛ تهران: مطبوعات عطائی، ۱۳۶۷.
۸. تر کاشوند، امیر حسین؛ **حجاب شرعی در عصر پیامبر**؛ تهران: بی‌نا، ۱۳۹۰. Mirvand.persianblog.ir.
۹. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم؛ **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
۱۰. چیت‌ساز، محمدرضا؛ **تاریخ پوشاک ایران از ابتدای اسلام تا حمله مغول**؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ **وسائل الشیعه**؛ قم: موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹.
۱۲. دهخدا، اکبر؛ **لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی**؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. دوزی رینهاری؛ **فرهنگ البسه مسلمانان**؛ ترجمه حسینعلی هروی؛ بی‌جا: نشر کتاب، ۱۳۵۹.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **مفردات الالفاظ القرآن**؛ بیروت: دارالشامیه، بی‌تا.
۱۵. روح الامینی، محمود؛ **زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی**؛ بی‌جا: نشر عطار، ۱۳۷۷.
۱۶. زمخشری، محمود؛ **الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل**؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.
۱۷. سمرقندی، نصر بن محمد؛ **بحر العلوم**؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۱۸. سید رضی؛ **نهج البلاغه امام علی علیه السلام**؛ ترجمه محمد دشتی؛ قم: نشر مشهور، ۱۳۷۹.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ **الدر المنثور فی تفسیر المائور**؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴.
۲۰. صفی‌پوری شیرازی، عبدالرحیم؛ **منتهی الارب**؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسن حوزه علمیه، بی‌تا.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ **جامع البیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ **مجمع البحرین**؛ محقق حسینی اشکوری؛ تهران: نشر مرتضویه، ۱۳۷۵.
۲۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۶. عباسی، حمزه؛ **حجاب در ادیان الهی**؛ چاپ اول، قم: یاقوت، ۱۳۸۵.
۲۷. فراهیدی، خلیل ابن احمد؛ **العین**؛ تحقیق مهدی المعزومی؛ قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.
۲۸. فیروزآبادی، مجدالدین؛ **تنویر المعباس من تفسیر ابن عباس**؛ احمد قابل؛ مقاله حجاب، naf3/issuu.com.
۲۹. فیومی، احمد بن محمد؛ **المصباح المنیر**؛ قم: دارالهجر، ۱۴۱۴.
۳۰. قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد؛ **الجامع لأحكام القرآن**؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۳۱. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج؛ **صحیح مسلم**؛ تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۳۲. مجلسی، محمدتقی؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۳. مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسن بن علی؛ *المروج الذهب و معادن الجواهر*؛ تحقیق اسعد داغر؛ قم: دارالهجره، ۱۴۰۹.
۳۴. مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۳۵. معین، محمد؛ *فرهنگ لغت*؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۳۷. میبدی، احمد بن محمد؛ *کشف الأسرار و عدة الأیوار*؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. نوری، حسین بن محمدتقی؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸.
۳۹. هواری، هود بن محکم؛ *کتاب الله العزیز*؛ الجزائر: دارالبصائر، ۱۴۲۶ ق.
۴۰. واقدی، محمد بن عمر؛ *کتاب المغازی*؛ تحقیق مارسدن جونز؛ چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹.
۴۱. وجدی، محمدفرید؛ *دایره المعارف القرون العشرین*؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۷۱.
۴۲. ولایتی علی اکبر؛ *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۴۳. ویل دورات؛ *لسان فلسفه*؛ ترجمه عباس زریاب؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.

Reference

- *The Noble Qur'an*.
- Abbasi, Hamzeh (1385 S.H). *Hijab in Adyan-e Elahi (Hijab in the Divine Religions)*. 1st Ed., Qom: Yaqut.
- Ahmad bin Hanbal, Abu Abd ol-Lah Ahmad ibn Muhammad (1421 A.H). *Masnad al-Imam Ahmad bin Hanbal*. Researched by Sho'ayb al-Arno'ut, N.P: Ar-Risalah.
- Chitsaz, Muhammad Reza (1379 S.H). *The History of Iranian Clothing from the Beginning of Islam Until Mongol Attack*. Tehran: Samt.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1377 S.H). *Loghat Nameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary)*. Under the Supervision of Muhammad Mo'in & Seyed Ja'far Shahidi. Tehran: Tehran University Press.
- Durant, Will (1388 S.H). *Lazzat-e Falsafe (The Mansions of Philosophy)*. Translated by Abbas Zaryab, Tehran: Elmi & Farhangi.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1383 S.H). *Al-Ayn*. Researched by Mehdi Makhzumi, Qom: Osweh.
- Firuzabadi, Majd od-Din (N.D). *Tanwir al-Meqbas min Tafsir ibn Abbas*. Ahmad Qabel.
- Fiumi, Ahamd bin Muhammad (1414 A.H). *Al-Misbah al-Munir*. Qom: Dar al-Hijr.
- Havari, Hud ibn Muhkam (1426 A.H). *Kitab Allah al-Aziz*. Algeria: Dar ol-Basaer.
- Horr Ameli, Muhammad bin Hasan (1409 A.H). *Vasa'el osh-Shi'ah*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Ibn Abi al-Hadid, Ezz od-Din Abu Hamed (1404 A.H). *Sharh Nahj ol-Balaghah*. Qom: Public Library of Aytollah Mar'ashi Najafi.
- Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir (N.D). *At-Tahrir vat-Tanvir*. 1st Ed., Beirut: At-Tarikh Institute.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad ibn Ali (1379 S.H). *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bokhari*. Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Ibn Kathir, Isma'il bin Umar (1419 A.H). *Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Majlesi, Muhammad Taqi (N.D). *Bahar al-Anwar*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Makarim Shirazi, Naser (1374 S.H). *Tafsir Nemoone*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia.
- Mas'udi, Ab ol-Hasan Ali ibn al-Hussain ibn Ali (1409 A.H). *Al-Moravvej oz-Zahab va Ma'aden ol-Johar*. Researched by As'ad Dagher, Qom: Dar ol-Hejrah.
- Meybodi, Ahmad ibn Muhammad (1371 S.H). *Kashf ol-Asrar va Uddat ol-Abrar*. Tehran: Amir Kabir.
- Mo'in, Muhammad (1364 S.H). *Farhang-e Loghat (Mo'iin Dictionary)*. Tehran: Amir Kabir.
- Mutahhari, Morteza (1377 S.H). *Mas'aleh Hijab (The Issue of Hijab)*. Tehran: Sadra.
- Nuri, Hossein ibn Muhammad Taqi (1408 A.H). *Mostadrak ol-Vasa'el va Mostanbat ol-Masa'el*. Qom: Al al-Bayt.
- Ostad Malek, Fatemeh (1367 S.H). *Hijab and Kashf-e Hijab (Bannin Hijab)*. Tehran: Ataii.
- Qashiri Neishaburi, Moslem ibn Hojaj (N.D). *Sahih Moslem*. Researched by Muhammad Fo'ad Abd ol-Baqi, Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.

- Qurtubi, Abu Abd ol-Lah Muhammad ibn Ahmad (1364 S.H). *Al-Jami' al-Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow.
- Raghīb Isfahani, Hussein ibn Muhammad (N.D). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar osh-Shamiah.
- Reinhart, Duzy (1359 S.H). *Farhang-e Albasesh Mosalmanan (The Culture of Clothing among Muslims)*. Translated by Hussain Ali Heravi, N.P: Nashr-e Kitab.
- Ruh ol-Amini, Mahmud (1377 S.H). *Zamineh Farhang Shenasi Ta'lifi dar Ensan Shenasi Farhangi va Mardom Shenasi (Writing Culturology in Cultural Anthropology)*. N.P: Attar.
- Safi Pouri Shirazi, Abd or-Rahim (1388 S.H). *Muntaha Arb*. Tehran: Tehran University Press.
- Samarqandi, Nasr ibn Muhammad (N.D). *Bahr ol-Ulum*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Fekr.
- Seyed Razi (1379 S.H). *Nahj ol-Balaghah Imam Ali*. Translated by Muhammad Dashti, Qom: Mashhur.
- Suyuti, Abd ar-Rahman Abu Bakr (1404 A.H). *Ad-Dur al-Manthur fi Tafsir bel-Manthur*, 1st Ed., Tehran: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir (1412 A.H). *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1372 S.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow.
- Tabatabaii, Seyed Mohammad Hussein (N.D). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Office of Teachers' Association of Howzeh Elmieh.
- Tarihi, Fakhr ed-Din ibn Muhammad (1375 S.H). *Majma' al-Bahreyn*. Researched by Hussein Ashkuri, Tehran: Mortazavieh.
- Tarkashvand, Amir Hussain (1390 S.H). *Hijab Shar'ii dar Asr-e Payambar (Theological Hijab in the Age of Prophet Muhammad)*. Tehran: N.P.
- Tha'labi Neishaburi, Ahmad ibn Ibrahim (1422 A.H). *Al-Kashf val-Bayan an Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hasan (N.D). *At-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Vajadi, Muhammad Farid (1971). *Da'erat ol-Ma'aref al-Qurun al-Asharin*. Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Vaqedi, Muhammad ibn Umar (1419 A.H). *Kitab Moghazi*. Researched by Marsan Jones, 3rd Ed., Beirut: Al-Elmi Institute.
- Velayati, Ali Akbar (1384 S.H). *Pooyai-e Farhang va Tamaddon-e Islam va Iran (Dynamics of Culture and Civilization in Islam and Iran)*. 4th Ed., Tehran: Foreign Ministry Press.
- Zamakhshari, Mahmud (1407 A.H). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghavamiz at-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arab.